



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

بسمه تعالی

امتحانات پایان سال - خرداد ۱۳۹۰

پاسخنامه

معاونت آموزش

اداره امتحانات کتبی

پایه :	۴	موضوع :	اصول ۱
تاریخ :	۹۰/۳/۱۷	ساعت :	۱۰/۳۰

نام کتاب: الموجز، از «المقصد الخامس» تا آخر کتاب

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سوال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه، به سوال آخر نمره داده نمی شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

تستی:

۱. کدام گزینه غلط است؟ ب ۱۴۱-۱۳۵

أ. قطع القطاع كاشف عن الواقع ولو عند القاطع

ج. ليس للشارع أى تصرف فى القطع الطريقى

* اتفق الأصوليون من الشيعة على أنه ليس بكاشف لا عن قول المعصوم ولا عن دليل معتبر لم يصل إلينا.

۲. عبارت فوق مربوط به کدام گزینه است؟ الف ۱۷۱

أ. الإجماع المحصل المدركى

ب. الإجماع المحصل إذا كان المستند غير معلوم

ج. الإجماع المنقول بخبر الواحد إذا كان المخبر به أمراً حسياً

د. الإجماع المنقول بخبر الواحد إذا كان الناقل ثقة غير معروف بالتبعية

۳. به عقیده مصنف، در چه صورت «شک در مکلف به» مجرای «أصالة الاحتياط» است؟ ألف ۲۰۵-۲۰۳

أ. الشبهة الحكمية الوجوبية الدائرة بين المتباينين لأجل فقدان النص

ب. الشبهة الحكمية الوجوبية الدائرة بين الأقل والأكثر الارتباطيين لأجل إجمال النص

ج. الشبهة الحكمية الوجوبية الدائرة بين الأقل والأكثر الاستقلاليين

د. الشك فى مانعية شىء

۴. تقدم دليل «لا شك لكثير الشك» بر ادله احكام شكيات از کدام نوع است؟ د ۲۲۳

أ. تخصيص

ب. تخصص

ج. ورود

د. حكومت

تشریحی:

* إن المطلق موضوع للحقيقة المعرّاة من كلّ قيد وقد قيل فى تعريفه ما دلّ على شائع فى جنسه.

۱. به نظر مصنف، مطلق بعد از تقیید، طبق هر کدام از دو تعریف، حقیقت است یا مجاز؟ چرا؟ ۱۲۴

طبق هر دو تعریف، حقیقت است. طبق تعریف اول، چون قيد شمول و سریان جزء تعريف نبود که به فرض از بین رفتن شمول، مطلق در غیر ما وضع له استعمال شود و طبق تعریف دوم نیز مطلق حتی بعد از تقیید، دلالت بر شایع در جنسش می کند و تقیید، سبب استعمال آن در غیر ما وضع له نمی کند بلکه دلالت عبارت بر معنای مقید، از باب تعدّد دالّ و مدلول است.

۲. وجه استدلال بر حجیت خبر واحد به وسیله آیه کتمان و اشکال وارد بر آن را بنویسید. ۱۶۶

استدلال: وجوب اظهار و حرمت کتمان می فهماند که قبول هم واجب است و گرنه بدون وجوب قبول، وجوب اظهار لغو می شود.

رد استدلال: آیه می فهماند که بیان بر علمای اهل کتاب واجب است. اگر به دنبال این بیان، هیچ قبولی وجود نداشته باشد، طبیعی است که وجوب بیان لغو است، اما اگر قبول مشروط به تعدّد و حصول اطمینان باشد، وجوب بیان لغو نیست.

* فاعلم أنّهم اختلفوا في أنّ العلم الإجمالي هل هو كالعلم التفصيلي بالتكليف أو لا، فالبحث يقع في منجزية العلم الإجمالي وكفاية امتثال الإجمالي مع التمكن من الامتثال التفصيلي. ١٤٣

٣. در قالب مثال، منظور از «منجزية العلم الإجمالي» و «كفاية امتثال الإجمالي مع التمكن من الامتثال التفصيلي» را توضیح دهید.

١. علم اجمالي به تكليف همانند علم تفصيلي به تكليف، منجز تكليف است و بر مكلف لازم است كه از عهده تكليف خارج شود. مثلاً اگر دو ظرف داشتیم كه یکی دارویی باشد كه خوردنش واجب است و دیگری آب باید هر دو ظرف را بنوشد.

٢. اگر بتوانیم امتثال تفصيلي حاصل كنیم، آیا باز هم امتثال اجمالي كفايت می‌كند. مثلاً اگر بتوانیم علم پیدا كنیم كه کدام يك از آن دو ظرف دارو است، باز اكتساب چنین علمی برای تحصيل امتثال تفصيلي لازم نیست و با امتثال اجمالي، یعنی آشامیدن هر دو ظرف، تكليف ساقط می‌شود.

٤. أ. حكم شرعی با چه شرایطی، از عرف و سیره كشف می‌شود؟ ١٥٠

١. با نص شرعی مخالفت نداشته باشد. ٢. متصل به عصر معصوم باشد.

ب. دو مورد از موارد دیگر (غیر از استكشاف حكم شرعی) را كه می‌توان به عرف و سیره مراجعه كرد، بنویسید.

١. در تبیین مفاهیم. ٢. در تشخیص مصادیق. ٣. در اعراف خاصه. (ص ١٥١-١٥٣)

* إنَّ الأصوليين جعلوا مطلق الظواهر من الظنون ولكن دقة النظر تقتضي أن تكون الظواهر من القطعيات بالنسبة إلى المراد الاستعمالي والذي صار سبباً لعدّ الظواهر ظنيّة هو تطرّق احتمالات عديدة إلى كلام المتكلم منها أن يكون المتكلم هازلاً أو مورياً في مقالة أو ملقياً على وجه التقية ويلاحظ عليه بالنقض أولاً والحلّ ثانياً. ١٥٩ و ١٥٨

٥. جواب نقضی و حلّی مصنّف را بر ادعای مشهور در باب ظواهر الفاظ، بنویسید.

نقضی: اکثر این احتمالات در نصّ هم وجود دارد.

حلّی: نفی این احتمالات بر عهده خود ظواهر نیست كه به خاطر عدم تمكّن از دفع این احتمالات ظواهر ظنی باشند بلكه اصول عقلايي باید آنها را دفع کنند.

* إذا شكّ في حرمة شيء لأجل عدم النصّ عليها في الشريعة فقد ذهب الأصوليين إلى البراءة واستدلّوا بوجوه منها قاعدة «قبح العقاب بلا بيان».

٦. به عقیده مصنّف، تعارض قاعدة عقليّة فوق با قاعدة «وجوب دفع ضرر محتمل» چگونه از بين می‌رود؟ ١٨٥ و ١٨٦

احتمال عقاب ناشی از این امور است: ١. صدور بیان و وصول بیان به غیر. ٢. تمسك به اصل برائت قبل از فحص. ٣. عقاب بلا بیان قبیح نباشد.

٤. مولی، حكیم یا عادل نباشد. و تمام آنها در محلّ بحث متفی است؛ لذا اصلاً ضرر محتملی وجود ندارد.

* إذا دار الأمر بين المحذورين لفقدان النصّ فلا شك أنّ المكلف مخير بين الفعل والترك تخييراً تكوينياً وأمّا من حيث الحكم الظاهري فالمقام محكوم بالبراءة عقلاً وشرعاً. ١٩٤

٧. أ. مراد از تخيير تكويني چیست؟ ب. علت جريان برائت شرعی در مورد مذکور در متن چیست؟

أ. یعنی نه امکان مخالفت قطعيه وجود دارد، نه امکان موافقت قطعيه.

ب. چون موضوع برائت شرعی، جهل به حكم واقعی است، علم به الزام كه جامع بين وجوب و حرمت، است علم به حكم واقعی نیست پس «رفع عن أمتي ما لا يعلمون» شامل آن می‌شود.

۸. در روایت زیر کدام اصل از اصول عملیه جاری شده است؟ توضیح دهید.

«سألت أبا عبد الله (ع) عن رجل معه إناءان فيهما ماء وقع في أحدهما قدر لا يدري أيُّهما هو وليس يقدر على ماء غيره قال بهريقهما ویتیم». ۱۹۸

اصالة الاحتياط - از امام صادق(ع) سؤال شد که شخصی دو ظرف آب دارد و در یک ظرف غیر مشخص، نجاستی ریخته است و آب دیگری ندارد و این سؤال درباره وضو گرفتن آن شخص بود. حضرت فرمودند: دو ظرف را بریزد و تیمم کند یعنی باید از اطراف شبهه محصوره اجتناب کرد و این همان اصالة الاحتياط است.

۹. برای استصحاب کلی قسم دوم مثالی زده و نحوه اجرای استصحاب را در ضمن آن تبیین کنید. ۲۱۴

به وجود حیوان در خانه علم داریم ولی نمی دانیم قصیر العمر است مانند پشه یا طویل العمر است مانند فیل. بعد از گذشت زمانی قطع داریم که اگر قصیر العمر بود مرده و اگر طویل العمر بود زنده است پس در فرد قصیر العمر و طویل العمر استصحاب جاری نیست؛ ولی ارکان استصحاب در کلی حیوان وجود دارد چون در اصل وجود حیوان، هم یقین سابق وجود دارد هم شک لاحق.